

تفسیر قراردادها

دکتر توفیق عرفانی^۱

مقدمه

افراد جامعه در هنگام انعقاد قراردادها نهایت سعی و کوشش خود را به کار می‌برند تا قرارداد تنظیم شده فاقد هر گونه ابهام و اشکال قانونی بوده و گویای قصد و اراده واقعی آنان باشد. آنها سعی می‌کنند از مشاوران حقوقی یاری بگیرند و یا با استعمال کلمات و جملات صریح و روشن مقصود خود را در قرارداد بگنجانند. عده‌ای نیز امر حقوقی خود را براساس فرمهای از پیش تهیه شده که به قراردادهای نمونه معروف هستند، تنظیم می‌کنند که از طرف مؤسسات حقوقی و وکلای با سابقه تهیه گردیده است.

از این میان استفاده از فرمهای معمولی در بنگاههای معاملات املاک نیز که اغلب بدون استفاده از مشاوران حقوقی تهیه شده است در میانه عامه مردم متداول است. با این حال طرفین قرارداد با حسن نیت اقدام به معامله و تنظیم قرارداد می‌کنند و فرض نیز آن است که طرفین قرارداد تلاش خواهند کرد که تعهدات خود را به نحو احسن انجام بدهند.

با این حال چه بسا اتفاق می‌افتد که طرفین قرارداد از کلمات و عبارات مندرج در قرارداد برداشتهای متفاوتی داشته باشند و همین امر موجبات بروز اختلاف در اجرای قرارداد

۱. قاضی بازنشسته دیوان عدالت اداری و وکیل پایه یک دادگستری.

را فراهم می‌سازد.

هنگامی که طرفین قرارداد با مذاکره و مصالحه نمی‌توانند اختلاف خود را حل کنند کار به داوری و مراجع قضایی می‌گردد. در این مرحله داور و دادرس برای کشف قصد و اراده واقعی از ادله و وسایل گوناگونی استفاده می‌نماید که یکی از آنها نیز تفسیر قرارداد مورد اختلاف است که موضوع نوشته حاضر را تشکیل می‌دهد.

از راهنمایی‌های پولیپ^۱ که به اهالی اسپارت توصیه کرده است، یکی آن است که «اگر اوضاع و احوال به همان ترتیب و صورتی که در زمان عقد اتحاد با اتولیا^۲ وجود داشته است باقی مانده باشد سیاست شما نباید از راه خود منحرف گردد. لکن اگر اوضاع و احوال مذکور به کلی زیورور شده باشد عادلانه است که پیشنهادهایی را که به شما شده، گویی امر جدیدی است و هنوز حل و فصل نشده، مورد مشورت قرار دهید».^۳

بخش اول: تعریف عقد و قرارداد

ماده ۱۸۳ قانون مدنی ایران در تعریف عقد می‌گوید: «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد». و ماده ۲۹۱ همان قانون مقرر می‌دارد «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم آنان لازم‌الاتباع است.

ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی فرانسه نیز که در تنظیم ماده ۱۸۳ فوق‌الاشعار مورد تقلید قرار گرفته است درباره تعریف عقد چنین می‌گوید: «عقد عبارت است از توافقی که به موجب آن یک یا چند شخص در برابر یک یا چند شخص دیگر تعهد به انتقال مال، انجام یا عدم

۱. پولیپ (پولیپوس - مورخ بزرگ یونان - کتاب تاریخ عمومی او که مرکب از ۴۰ جلد بوده است - و اکنون بیش از ۵ جلد آن در دسترس نیست - از مهم‌ترین آثار قدیم می‌باشد. فرهنگ معین ج ۵، ذیل واژه.

۲. اتولیا از نواحی یونان قدیم که امروز هم جزو خاک یونان است و شهر می‌سولونگی که جنگ معروف یونانیان و عثمانی در آنجا اتفاق افتاد در این ناحیه است لرد بایرن شاعر معروف انگلیسی در محاصره این شهر به قتل رسید. (فرهنگ دهخدا چاپ ۱۳۲۵ ص ۹۹۹)

۳. حکمت، دکتر محمدعلی، تأثیر تفسیر اوضاع و احوال: مجله حقوقی - دفتر خدمات حقوق بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره سوم، پاییز سال ۱۳۶۲، ص ۳۴.

انجام کار می‌کنند».

قرارداد اصطلاح تازه‌ای است که بعضی از استادان حقوق مثل کولن کاپیتان و ژولیوو و لاموراندر حقوقدانان فرانسوی در کتاب حقوق مدنی جلد دوم شماره ۵۵۶ و برادران مازو در حقوق مدنی جلد ۲ شماره ۵۲ آن را در ردیف عقد قرار داده‌اند ولی قانون مدنی ایران در ماده ۱۸۳ و قانون مدنی فرانسه در ماده ۱۱۰۱ با اقتباس از حقوق قدیم رم و پیروی از عقاید پوتیه و دویفا عقد را منبع ایجاد تعهد دانسته و آن را از قرارداد و دیگر تراضیها جدا کرده‌اند. علی‌هذا می‌توان گفت که در حقوق ایران هر عقدی قرارداد است و این قرارداد منشاء ایجاد تعهد می‌باشد. اما هر قراردادی عقد نیست مثلاً اقاله یک قرارداد تفاسخ است ولی این تفاسخ سبب زوال تعهد است نه ایجاد آن.

لغت التزام در کتب عربی تا قبل از سدهٔ اخیر مترادف با تعهد به کار رفته و پیمان و معاهده و میثاق و کنوانسیون نیز به جای عهد و عقد استعمال شده است با این تفاوت که اصطلاحات اخیر اغلب در قراردادهای بین‌المللی به کار می‌رود.^۱ ولی در هر صورت اثر اصلی قرارداد بین دو طرف در پای بند شدن آنان به مفاد عقد خلاصه می‌شود.

بخش دوم: لزوم تفسیر قرارداد

می‌دانیم که عقد تابع قصد مشترک طرفین می‌باشد. این قصد پنهانی را باید از راه مظاهر خارجی آن باز شناخت، الفاظی که اشخاص در قراردادهای تنظیمی خود به کار می‌برند، همیشه صریح و گویا و وافی به مقصود نیست و گاه برای دستیابی به ارادهٔ واقعی طرفین، باید قرارداد مورد تفسیر قرار بگیرد. بدیهی است که لوازم عرفی قانونی نوشته‌ها و گفتارها، همانند الفاظ عقد برای طرفین لازم‌الاجرا می‌باشد. ولی برای شناخت مفاد قرارداد توجه به متن اصلی قرارداد کافی نمی‌باشد و به همین جهت دادرس در تعیین مفاد عقد با این شکل مواجه می‌شود که دو طرف عقد چه خواسته‌اند؟^۲

۱. امامی، دکتر اسدالله، فصلنامه حق، دفتر چهارم، نقش اراده در قراردادها، دی ۱۳۶۶.

۲. کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، آثار قرارداد، ناشر بهنشر، ص ۴، سال ۱۳۶۸.

این مشکل هنگامی دو چندان می‌شود که در مواردی طرفین قرارداد به لحاظ عدم آشنایی با مقررات حقوقی رابطه حقوقی و قرارداد بینابینی خود را اشتباه توصیف می‌کنند و یا اینکه به منظور فرار از آثار و عرف قانونی ماهیت عقد مورد نظر نام و عنوان دیگری بر قرارداد خود می‌گذارند و مثلاً قرارداد اجاره را با نام ودیعه و امانت تنظیم می‌کنند، تا از مقررات قانون روابط موجر و مستأجر در مورد حق کسب و پیشه بگریزند.^۱

البته امروزه قراردادها بیشتر به صورت نوشته تنظیم می‌شود و قرارداد شفاهی کمتر انجام می‌شود. با سواد بودن افراد و مشکلات اثبات قرارداد شفاهی و محدودیت ارزش گواهی یا عدم دسترسی به شهود و یا عدم امکان استفاده از گواهی گواهان و اینکه تنظیم‌کنندگان قرارداد در قراردادهای کتبی فرصت بیشتری برای تفکر و تدبیر و مشاوره با دیگران را در تنظیم سند کتبی دارند و مشکلات اثبات آن نیز به مراتب کمتر از قراردادهای شفاهی است، موجبات ترویج تنظیم قراردادهای کتبی را فراهم آورده است ولی انقلاب صنعتی و توسعه روزافزون مداخله ماشین و تکنیک و عوامل اتوماتیک و سرعت گردش سرمایه‌ها در تجارت امروزی وضعیت جدیدی به وجود آورده است. استفاده از تلفن و تلگراف و تلکس و اینترنت پایه توافقی قرار می‌گیرد که دلیل انتساب آن به فرستنده در دسترس نیست. دادرسی با اسناد تجاری یا دفاتری روبه‌رو می‌باشد که شیوه اجرای تعهد را به اجمال معین می‌کند و نشانی از مفاد قرارداد به دست نمی‌دهد.

قانون نیز به این اشکال دامن می‌زند، زیرا لوازم عرفی و قانونی عقد را نیز در شمار تعهدات ضمنی و شروط عقد می‌آورد.^۲ مثلاً ماده ۲۲۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد عقود نه فقط متعاملین را به اجرای آن چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند و یا اینکه ماده ۲۲۵ قانون مذکور می‌گوید «متعارف بودن امری در

۱. صاحبی، مهدی، *تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی*، ناشر ققنوس، ص ۲۲ - ۲۱.

۲. کاتوزیان، دکتر ناصر، *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*، ج ۳، آثار قرارداد، ناشر بهنشر، سال ۱۳۶۸، ص ۶ - ۵.

عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد به منزله ذکر در عقد است» و به موجب ماده ۲۲۴ قانون یاد شده نیز «الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه».

از اینها گذشته، گاهی در مذاکرات مقدماتی عبارتی گفته می‌شود که منظور از آن ترغیب طرف معامله به انجام قرارداد و تبلیغ کالای عرضه شده می‌باشد ذکر چنین عباراتی را نباید جزو مفاد عقد به شمار آورد ولی با این حال یکی از دشواریهای تعیین مفاد عقد تمیز گفته‌های الزام‌آور از نمایشهایی است که مشکلاتی را در راه احراز قصد مشترک به وجود می‌آورد.^۱

تجربه نشان داده است آنگاه که پای نزاع و اختلاف در میان باشد دقیق‌ترین قراردادها نیز نیاز به تفسیر پیدا می‌کند حتی قراردادهای نمونه که جنبه تخصصی و بین‌المللی پیدا کرده است در هنگام اجراء با تعابیر و مشکلاتی روبه‌رو می‌شود که حتی به ذهن نویسندگان آن خطور نکرده است. قراردادهای رسمی نیز که در دفاتر اسناد رسمی تنظیم می‌شود از این قاعده مستثنی نیست. نگاهی به آمار شکایتهایی که از دستور اجرای مفاد اسناد رسمی در دادگاهها مطرح می‌شود نشانگر اشکالاتی است که مأموران ثبت اسناد و املاک درباره مفاد اسناد تنظیمی با آن مواجه بوده‌اند. وضع اسناد عادی به مراتب دارای ابهام و مشکلات اجرایی بیشتری است. قولنامه‌هایی که در بنگاههای معاملات ملکی تنظیم می‌شود و اغلب تنظیم‌کنندگان آن نیز فاقد اطلاعات حقوقی کافی می‌باشند، بر میزان اختلافات ناشی از اجرای قراردادها افزوده است. هنوز دادگاهها درباره معنی پرداخت بیعانه و شرط امکان استرداد آن و یا وجوهی که در هنگام اجاره به عنوان «پول پیش» پرداخت می‌شود، اختلاف نظر دارند. و یا مثلاً در تنظیم قولنامه‌ها، آیا هدف آن است که با تنظیم آن معامله انجام یافته و تنظیم سند رسمی جنبه تشریفاتی دارد و یا اینکه دو طرف بدین وسیله خود را به انجام و فراهم آوردن مقدمات آن خود را ملزم ساخته‌اند تا بعداً به تنظیم سند رسمی اقدام

کنند؟

مشاوران باریک‌بین حقوقی نیز نمی‌توانند تمام اختلافات احتمالی در آینده را پیش‌بینی نمایند و راه‌حل منطقی برای آن بیابند.

در تجارت بین‌المللی نیز گاهی به علت صرفه‌جویی در هزینه، مطالب به اختصار مخابره می‌شود و همین هزینه نه‌چندان گزاف، مشکلات بزرگی را در موقع بروز اختلاف طرفین قرارداد به وجود می‌آورد و احراز قصد مشترک طرفین را بر دادرس و دادگاه مشکل می‌سازد. به خصوص که اغلب امکان حضور طرفین در دادگاه نیز مقدور نیست تا دادرس بتواند ضمن مذاکره حضوری با آنان به هدف و منظور مشترک طرفین دست بیابد. ولی از آنجا که قاضی باید رفع خصومت کند و دعوی را فیصله بدهد ناچار به استفاده از تفسیر قرارداد می‌باشد کاری که انجام آن چندان نیز آسان نمی‌نماید.

بخش سوم: معنی لغوی و تفسیر قرارداد

تفسیر که مصدر از باب تفعیل و مشتق از کلمه «فسر» است، در لغت به معنای ظهور (کشاف اصطلاحات الفنون) و آشکار ساختن و هویدا کردن. (ترجمان جورجانی) و آنچه که معنا را روشن کند (المنجد) پیدا و آشکار کردن و بیان نمودن معنای سخن (منتهی‌الارب ناظم الاطباء) و بسیار آشکار ساختن چیزی (اقرب‌الموارد) پیدا کردن و واگردن خبر (فرهنگ آندراج) به کار رفته است.^۱ در اصطلاح حقوقی تعاریف گوناگونی از آن به عمل آمده است. در فرهنگ حقوقی Black کلمه تفسیر چنین تعریف شده است:

«تفسیر عبارت است از هنر و فرایند کشف و تشخیص معنای یک قانون، وصیت‌نامه، قرارداد و یا هر مدرک کتبی دیگر و به عبارت دیگر کشف و نمایش صحیح هر نکته و علامتی که حاصل مضامین و ایده‌هایی باشد».

ماده ۲۲۴ مجموعه حقوقی آمریکا در باب تفسیر می‌گوید: «تفسیر عبارت است از توضیح معنای کلمات و اعلام اراده‌ای که یک توافق را به وجود می‌آورند» ملاحظه می‌شود

۱. فرهنگ دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه تفسیر. فرهنگ معین، دکتر محمدمعین، ذیل واژه.

که در این تعریف کلمه توافق اعم از قرارداد است.^۱

کوربین حقوقدان آمریکایی نیز در تعریف تفسیر چنین می‌گوید:

«تفسیر عبارت است از توضیح معنی، اعلام اراده‌ای که دیگری آن را به کار برده است». استاد دکتر کاتوزیان عقیده دارند که «تفسیر قرارداد به معنی تشخیص مفهوم و مفاد آن است. هدف این است که مضمون و مفاد عقد به درستی روشن شود».^۲ و مرحوم دکتر مهدی شهیدی نیز تفسیر را چنین تعریف کرده‌اند: «تفسیر قرارداد عبارت است از تشخیص ماهیت و مفاد و طرفهای قرارداد براساس اراده مشترک انشاءکنندگان آن و مقررات قانونی همچنان که تفسیر قانون استنباط قانونگذار از عبارات مقررات قانونی است».^۳ استاد دکتر اسدالله امامی نیز درباره معنای تفسیر عقیده دارند که: «تفسیر یعنی یافتن مقصود طرفین عقد و آنچه را که متعاملین در قصد مشترک خود قرار داده‌اند».^۴ آقای دکتر جعفری لنگرودی نیز تفسیر را چنین معنا کرده‌اند: «تفسیر در لغت به معنای توضیح دادن است و به معنای بیان و کشف مقصود گوینده می‌باشد».^۵

چهارم: جایگاه تفسیر قرارداد

برای روشن شدن این بحث، نخست باید مفهوم تفسیر قرارداد با مفاهیم مشابه، مقایسه و از یکدیگر تفکیک و تمیز داده شود تا جایگاه خاص آن مشخص شود تا در مرحله بعد با ملاحظه نوع قراردادهای جایگاه این بحث از جهت وضوح و ابهام و کتبی و شفاهی معلوم شود.

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*، ج ۳، آثار قرارداد، ناشر بهنشر، ص ۲۳، سال ۱۳۶۸.

۲. همان منبع، ص ۷.

۳. شهیدی، مهدی، *حقوق مدنی، اصول قراردادها و تعهدات*، ج ۲، ص ۲۹۳، نشر حقوقدان، سال ۱۳۷۹.

۴. امامی، اسدالله، *حقوق مدنی (پلی‌کپی) دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران*، ص ۵، سال تحصیلی ۱۳۶۹ - ۱۳۶۸.

۵. جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، ص ۱۷۰، ناشر ابن سینا ۱۳۴۶، همین مؤلف، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ج ۲، ص ۱۳۶، ناشر گنج دانش، سال ۱۳۷۸.

الف: فرق تفسیر قرارداد و تکمیل آن

بحث تکمیل قرارداد هنگامی مطرح می‌گردد که ناچار شویم برخی از امور را که در عقد گفته نشده است، هنگام اجرا لحاظ نماییم. بدین توضیح که طرفین به سبب عرف و قانون و عدالت به اموری ملزم می‌شوند که در عقد نیاورده‌اند و این امور را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱ - اموری که قابلیت استناد به قصد طرفین را دارند و می‌توان فرض کرد که طرفین با اتکالی به عرف و عادت و حسن نیت طرف دیگر، امور مزبور را در عقد ذکر نکرده‌اند مانند معاملات اموال غیرمنقول که تعهد بر تنظیم سند رسمی در آنها از اموری است که قانون معین کرده ولی طرفین در سند عادی خود این شرط را نیاورده‌اند و این طور فرض می‌شود که طرفین آن را قصد کرده‌اند.

۲ - اموری که قابلیت استناد به قصد دیگری را ندارند مانند حکم قانون به اینکه هرگاه کالای فروخته شده بدون تقصیر و اهمال پس از تحویل به مشتری تلف شود خسارت ناشی از تلف به عهده فروشنده خواهد بود، در صورتی که اگر مبلغ قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود، بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد. در حقوق فرانسه بخش مستقلی برای بحث تکمیل قرارداد پیش‌بینی نگردیده است. «مواد ۱۱۳۴ و ۱۱۳۵» و مباحث مربوط به آن نیز در بخش مربوط به تفسیر قرارداد آورده نشده است و به همین جهت نیز حقوقدانان فرانسه مباحث تکمیل قرارداد را در بخش تفسیر قرارداد مطرح نکرده‌اند.

در سیستم حقوقی کامن لا و نیز بین دو تأسیس حقوقی تفسیر و تکمیل قرارداد فرقی گذاشته نشده است و مباحث هر دو تحت عنوان «Construction» که به معنای تفسیر مصطلح در حقوق ما می‌باشد مطرح شده است.^۱

ب: فرق تفسیر و تعدیل آن

اگرچه ممکن است این تصور پیش آید که بین تفسیر قرارداد و تعدیل آن رابطه‌ای

۱. قشقای، حسین، *تشیوه تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی ایران*، نظام‌های حقوقی معاصر، ص ۲۷ - ۲۵ - ناشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سال ۱۳۷۸

وجود ندارد، زیرا بحث تعدیل پس از روشن شدن مفاد قرارداد به وسیله تفسیر مطرح می‌شود یعنی بعد از تعیین مضمون عقد است که به علت وقوع حوادثی که در زمان وقوع عقد وجود نداشته ولی هم‌اکنون به لحاظ به هم خوردن توازن اقتصادی، اجرای آن برای یک طرف مشکل گردیده است بحث تعدیل قرارداد مطرح می‌شود تا برای جلوگیری از اجحاف و با تجویز قانون و براساس عدل و انصاف در قرارداد تنظیمی تجدیدنظر به عمل آید، ولی از آنجا که تعدیل قرارداد برخلاف اصل حاکمیت اراده و قصد مشترک طرفین است، حتی‌الامکان باید از آن پرهیز کرد و به همین دلیل نیز در موارد نادری هم که رویه قضایی اقدام به تعدیل قرارداد نموده بیشتر مایل بوده است که از شرایط ضمن قرارداد و روح حاکم بر آن استفاده کند و در حقیقت به جای تعدیل قرارداد به تفسیر آن متوسل شده است.^۱

شعبه چهارم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۶۴۴ - ۱۷/۳/۱۱ در موردی که شهرداری شغل زهتابی را که مستأجر به آن می‌پرداخت، ممنوع کرده بود اجاره را منفسخ دانسته و در توجیه نظر خود استدلال کرده است که: «از مواد ۴۷۱ و ۴۸۱ و ۴۹۶ و مواد دیگری که در نظایر اجاره مانند مزارعه و غیره مقرر شده است چنین برمی‌آید که عین مستأجره تا آخر مدت اجاره باید به قابلیت انتفاع باقی باشد و در صورتی که از ابتدا، قابل انتفاع بوده و در اثنای مدت از قابلیت انتفاع افتاده باشد از آن زمان به بعد اجاره منفسخ می‌شود.^۲ بدیهی است تعدیل قانونی که در قوانین تجویز شده است، به استناد مجوز قانونی است و ارتباطی به تفسیر قرارداد ندارد و از نمونه‌های بارز آن می‌توان ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ را نام برد که در صورتی که سه سال تمام از استفاده از عین مستأجره گذشته و مدت اجاره نیز منقضی شده باشد و مالک یا مستأجر درخواست نماید می‌توان حکم به تعدیل اجاره‌بها داد. بنابراین باید گفت که جز در مواردی که قانون اجازه نداده باشد، قاضی مجاز به تعدیل نیست ولی در بعضی از کشورها چنین اجازه‌ای به قاضی داده شده است. مثلاً به موجب ماده ۱۴۹ قانون مدنی مصر، دادگاه می‌تواند شروطی از قرارداد الحاقی را که

۱. همان، ص ۳۰ - ۲۷.

۲. متین، احمد، مجموعه رویه قضایی نظرات دیوان عالی کشور از ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰، صص ۱۷ و ۱۹۷.

انجام آن برای یکی از طرفین شاق و سنگین باشد لغو کند و تا حدی که عدالت و انصاف اجازه می‌دهد آن را تعدیل کند و طرفین نمی‌توانند با توافق قبلی خود، این چنین حقی را از محکمه سلب نمایند.^۱

در قانون تعهدات سوئیس حکم عامی در اثر رویدادهای غیرمترقبه بر قراردادهای دیده نمی‌شود ولی در بعضی از قراردادهای خاص این اثر مورد توجه قرار گرفته است از جمله ماده ۴۷۶ پس از اعلام این قاعده که «مستودع نمی‌تواند مال مورد ودیعه را پیش از موعد مقرر به مالک برگرداند» موردی را که شرایط پیش‌بینی نشده او را در وضعی قرار بدهد که نتواند بدون خطر برای مال یا تحمل ضرر برای خود به نگهداری ادامه دهد از آن قاعده استثناء کرده است. در ماده ۳۷۳ نیز نه تنها فسخ قرارداد و تجدیدنظر و تعدیل آن به سود مقاطعه کار پیش‌بینی شده است، بلکه به موجب ماده مزبور اگر در نتیجه شرایط نامتعارف و غیرقابل پیش‌بینی یا خارج از مفروضه‌های پذیرفته شده طرفین، اجرای کار ممتنع یا به غایت دشوار شود، دادرس می‌تواند برحسب تشخیص خود با افزایش قیمت شرط شده یا فسخ قرارداد موافقت کند.

در قانون ۱۹۴۲ ایتالیا که پس از قانون مدنی لهستان یکی از قدیمی‌ترین قوانینی است که اثر حادثه پیش‌بینی نشده را در قرارداد می‌پذیرد، «مواد ۱۴۶۷ تا ۱۴۶۹» شرط دخالت دادگاه گرانی زیاد موضوع تعهد در اثر حوادث نامتعارف و غیرقابل پیش‌بینی است ولی این تجدید نظر مخصوص قراردادهای مستمر و مؤجل می‌باشد.^۲

ج: فرق تفسیر قرارداد و توصیف

در تفسیر قرارداد قصد واقعی طرفین و آنچه بر آن تراضی کرده‌اند بررسی و احراز می‌شود و حال آنکه در توصیف قرارداد طبیعت حقوقی وقوع قرارداد معین می‌شود. تا

۱. صاحبی، مهدی، *تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی*، ناشر ققنوس، ص ۲۳، نقل از سجادی گیلانی، محمود، *تفسیر قرارداد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوقی خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۵۷ - ۵۶.
۲. کاتوزیان، دکتر ناصر، *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*، ج ۳، آثار قرارداد، ناشر بهنشر، ص ۱۱۰، سال ۱۳۶۸.

قواعدی که بر آن حکومت دارد شناسایی گردد. به عبارت دیگر توصیف تشخیص ماهیت حقوقی قرارداد است مثل اجاره بودن قرارداد یا عاریه بودن آن، و تفسیر احراز این مطلب است که آیا مقصود طرفین تملیک منفعت بوده است یا اذن در انتفاع... و به بیانی دیگر توصیف قرارداد یک مسأله قانونی ولی تفسیر قرارداد یک مسأله ماهوی است.^۱

فرق تفسیر قرارداد با اثبات قرارداد

اثبات قرارداد عبارت است از احراز وقوع قرارداد و مضمون شرایط آن، که بیشتر جنبه مادی و خارجی دارد ولی تفسیر بعد از احراز و اثبات قرارداد مطرح می‌شود. به بیانی دیگر، چنانچه در وقوع قرارداد اختلاف یا شک و یا تردید وجود داشته باشد مثلاً یک طرف الزام طرف دیگر را بر انجام تعهدات خود بخواهد و طرف دیگر وقوع و انعقاد قرارداد را انکار کند. در این مرحله قاضی دلایل طرفین را برای کشف و احراز این مطلب که آیا واقعاً قراردادی در عالم خارج و بین طرفین منعقد شده است یا نه؟ مورد بررسی قرار می‌دهد و این اقدام قاضی و تصمیم او ناظر به اثبات قرارداد است، حال آنکه تفسیر قرارداد به وسیله قاضی در مرحله‌ای انجام می‌شود که وقوع قرارداد محرز است و قاضی با بررسی متن قرارداد و الفاظ و تعبیر به کار رفته و اوضاع و احوال ناظر بر قضیه مفاد قرارداد را تعیین و تشخیص و از ابهام خارج نموده و تعهدات طرفین را روشن می‌سازد.^۲

با این حال گاهی بین تفسیر قرارداد و اثبات آن رابطه نزدیکی وجود دارد. مثلاً اگر کسی به دیگری بگوید: «مایلم اتومبیل شما را صد میلیون ریال بخرم» و مخاطب در پاسخ بگوید من نیز قصد دارم اتومبیل خود را بفروشم و اتومبیل دیگری خریداری کنم» تشخیص این مطلب که آیا گفته یکی از طرفین ایجاب محسوب می‌شود یا خیر؟ و به عبارت دیگر برای احراز این مطلب که آیا طرفین انشای عقد بیع را اراده کرده‌اند و یا اینکه نیت آنان صرفاً پیشنهاد و یا وعده و قرار بوده است تفسیر قرارداد و اثبات آن همزمان مورد

۱. صاحبی، مهدی، *تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی*، ناشر ققنوس، ص ۷، امامی، اسدالله، *حقوق مدنی (پلی کی)* دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران، ص ۶ سال تحصیلی ۱۳۶۹ - ۱۳۶۸.
۲. همان.

توجه قرار می‌گیرد، زیرا که ارتباط نزدیکی بین آنها وجود دارد.

د: فرق تفسیر قرارداد با تفسیر قانون

همان طوری که گفته شد تفسیر قرارداد عبارت از تشخیص مفاد قرارداد در موارد اجمال و ابهام و سکوت و تناقض معنا و مفهوم قرارداد است و دادرسی وظیفه دارد به لحاظ روشن نبودن آنها و یا به لحاظ اینکه در سعه و ضیق مدلول آن شکی وجود دارد اراده حقیقی طرفین را احراز کند ولی در تفسیر قانون قاضی سعی در کشف قصد و هدف قانونگذار و تعیین مفهوم روشن ماده قانونی است.

بخش پنجم: انواع تفسیر قرارداد

الف: تفسیر قانونی

در مواردی که نص قانون به درستی معلوم نیست، قانونگذار می‌تواند با وضع قانون دیگری اراده خود را بیان نماید این تعبیر به اعتبار مرجع آن تفسیر قانونی نامیده می‌شود و به قانونی هم که هدف آن تعیین مفاد قانون گذشته می‌باشد قانون تفسیری می‌گویند برابر اصل ۱۷۳ قانونی اساسی تفسیر قوانین عادی به عهده مجلس شورای اسلامی است و به موجب اصل ۹۸ قانون اساسی نیز شورای نگهبان عهده‌دار تفسیر اصول قانون اساسی می‌باشد.^۱

ب: تفسیر تحت اللفظی

هدف از این تفسیر کشف و احراز قصد و اراده قانونگذار از ظاهر الفاظ و عبارات قانون است و طرفداران آن عقیده دارند که قاضی وظیفه دارد در تفسیر قانون از ظاهر الفاظ و عبارات نسبت به کشف اراده قانونگذار اقدام کند و در تفسیر قراردادهای به تفسیر لفظی تمسک نماید و هدف از تفسیر قرارداد را نیز کشف اراده طرفین با توجه به ظواهر و عبارات متن قرارداد می‌دانند و طرفداران این مکتب روشهایی را در مقام استنباط و تفسیر به کار

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، *فلسفه حقوق*، ج ۲، منابع حقوق ص ۲۱۶ و ۲۲۱، ناشر شرکت سهامی انتشار، سال ۱۳۷۷.

برده‌اند که روش تفسیر ادبی و تفسیر منطقی و تفسیر اصولی و تفسیر تاریخی نامیده می‌شود.^۱

ج: تفسیر ادبی

در این تفسیر دادرس تنها به مباحث الفاظ در اشتقاق لغوی و دستوری توجه دارد و می‌کوشد به یاری فنون مربوط به قواعد زبان و صنایع ادبی معنی درست آن را بفهمد و بدین وسیله اجمال و نقص قانون را برطرف سازد.^۲

تفسیر منطقی

در اینجا سعی می‌شود که ابهام و تضاد و ناهماهنگی قرارداد با استدلال معقول و منطقی برطرف شود. دادرس باید به عنوانها و طرز فصل‌بندی توجه کند و مواد متعارض را در برابر هم قرار بدهد تا از طریق استنتاج عقلی و قواعد منطقی به کشف اراده قانونگذار و یا تنظیم‌کنندگان قرارداد نایل آید.

ه- تفسیر اصولی یا علمی

در این روش تفسیر مواد قانون از طریق تحقیق در ماهیت اصول و مبانی حقوقی که مواد تفسیر بر پایه آن اصول و مبانی قرار گرفته‌اند، به عمل می‌آید. مثلاً مواد باب شرکت و تقسیم مال‌الشکره در قانون مدنی براساس قاعده لاضرر و لاضرار فی‌الاسلام تنظیم شده است و بنابراین استنباط احکام به وسیله استقراء و تمثیل و قیاس و استصحاب و امثال آن تفسیر اصولی نامیده می‌شود.^۳

و- روش تاریخی

در تفسیر تاریخی از بررسی سوابق وضع و تصویب قانون مواد تفسیر از قبیل مذاکرات کمیسیونهای مجلس و یا صورت جلسات مذاکرات مجلس می‌توان به هدف و اراده

۱. صاحبی، مهدی، *تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی*، ناشر ققنوس، ص ۵۰.
۲. کاتوزیان، دکترناصر، *فلسفه حقوق*، ج ۲، منابع حقوق، ص ۲۱۶ و ۲۲۱، ناشر شرکت سهامی انتشار، ص ۲۳۴.
۳. امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، ج ۴، ص ۱۴۹، چاپ دوم، ۱۳۴۸، همین منبع شماره ۲۰، ص ۱۴۹.

قانونگذار پی برد. در تفسیر قراردادهای نیز به اوضاع و احوال زمان تنظیم قرارداد استناد می‌شود. مثلاً ماده ۴۵۳ قانون مدنی در مورد تلف مبیع در زمان خیار پس از تسلیم مجمل است و فقط به وسیله تفسیر تاریخی یعنی مراجعه به سوابق آن در فقه امامیه می‌توان رفع اجمال کرد و یا قانون تعدیل مال‌الاجاره که در اثر کمیابی مسکن و با اقتباس از قانون فرانسه وضع شده است.^۱

ز - تفسیر قضایی

در تفسیر قضایی هدف حمایت از افرادی است که به ظواهر اعلام اراده‌ها اعتماد کرده‌اند و به همین جهت باید در مقام تعیین آثار قرارداد، شخص متعارف در جامعه را در نظر گرفت و در چنین تفسیری، تأثیر عدالت، اخلاق، مذهب و افکار عمومی و اقتصاد بر قرارداد، مورد توجه قرار می‌گیرد.

این نظریه از مکتب اصالت اجتماع نشأت گرفته است و شباهت زیادی به مکتب آزاد که «ژنی» حقوقدان معروف آن را در بحث تفسیر قانون مطرح نموده است، دارد. دادرسی ضمن احترام به اراده حقیقی طرفین و با در نظر گرفتن عدالت و اخلاق و افکار عمومی و وضعیت اقتصادی خود را در موقعیت طرفین قرارداد می‌گذارد و امکان لازم را استنباط می‌کند و آثار و تعهداتی را که به طور متعارف از قرارداد مورد انتظار می‌باشد به اراده طرفین منسوب می‌دارد و اوضاع و احوال زمان قرارداد را در نظر می‌گیرد. هرچند که طرفین قرارداد در زمان تنظیم آن به عوامل مذکور توجه نداشته باشند. در حقوق ایران اصل ۷۳ قانون اساسی مجوز تفسیر قضایی است. اصل مذکور مقرر می‌دارد که: «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند نیست». در هر صورت دادرسی باید همواره در نظر داشته باشد که طرفین قرارداد اشخاص متعارفی بوده‌اند و شخص معقول و متعارفی که

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، *فلسفه حقوق*، ج ۲، منابع حقوق، ص ۱۴۸، صاحبی، مهدی، *تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی*، ناشر ققنوس، صص ۵۲ - ۵۱.

اقدام به تنظیم قرارداد کرده است چه مفهومی از آن درک می‌کند و عرف تجاری در چنین مواردی چیست؟^۱

ممکن است ایراد شود که اگر محاکم بتوانند معنی قانون را چنان که خود می‌پسندند معین سازند و در مواردی که حکم خاصی در قانون نیست از پیش خود وضع قاعده کنند و آن را در بین خود مرسوم سازند، دیگر استقلالی برای قوه مقننه باقی نمی‌ماند و چگونه می‌توان به تفکیک قوا استناد کرد؟

این ایراد که در سده نوزدهم مورد توجه پاره‌ای از نویسندگان بود امروزه طرفداری ندارد و صلاحیت محاکم در تفسیر قوانین از بدیهیات می‌باشد و تفسیر قضایی با استقلال قوا منافاتی ندارد. زیرا قانون عده‌ای کلی و دائمی است که همه اشخاص و مقامها را ملزم می‌سازد و فقط مجلس می‌تواند قانون وضع کند (اصل ۵۸ قانون اساسی) ولی تصمیم دادگاه تنها درباره اصحاب دعوا مؤثر می‌باشد و حتی در مواردی هم که آراء محاکم به صورت رویه قضایی درآمد است، جز در موارد خاص اعتبار اخلاقی دارد، از نظر حقوقی ایجاد و الزام نمی‌نماید و قواعدی که از آنها استخراج می‌شود قانون نمی‌باشد. به علاوه دادرسی هنگامی اقدام به تفسیر قضایی می‌کند که قانون مجمل و یا ساکت و یا ناقص باشد و دادرسی با این اقدام خود نقص قانون را برطرف می‌سازد و این اقدام تجاوز به حقوق قوه قانونگذاری نیست.^۲

اصل ۸ - مقررات کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۸۰ - وین که از تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۸ - به اجرا درآمده است به بیان تفسیر قرارداد اختصاص داده شده است. در اصل هشتم چنین مقرر می‌دارد:

۱ - از نظر این کنوانسیون اظهارات و سایر اعمالی را که یک طرف انجام می‌دهد، باید مطابق قصد وی تفسیر کرد، آن چنان که طرف دیگر به آن قصد علم داشته یا نمی‌توانسته است به آن ناآگاه باشد.

۱. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی، اصول قراردادها و تعهدات، ج ۲، ص ۵۱، نشر حقوقدان سال ۱۳۷۹.

۲. صاحبی، مهدی، تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی، ناشر ققنوس، صص ۲۲۴ - ۲۲۳.

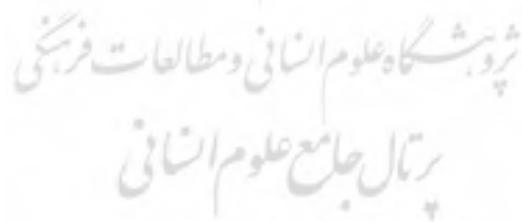
۲ - در صورت عدم شمول پاراگراف فوق، اظهارات و سایر اعمالی که یک طرف انجام می‌دهد باید مطابق استنباطی باشد که یک فرد متعارف از همان صنف و در اوضاع و احوال مشابه به طرف دیگر می‌داشت.

اصل ۹ مقررات کنوانسیون نیز چنین می‌گوید:

- طرفین ملزم به رعایت هرگونه عرف و عادت مورد توافق، و همچنین کلیه رویه‌هایی که بین خود تأسیس و تصدیق کرده‌اند می‌باشند.

- فرض بر این است که طرفین عرفی را که بدان وقوف داشته‌اند یا می‌باید وقوف می‌داشتند و آن عرف و عادت در تجارت بین‌الملل به نحو گسترده‌ای برای طرفین آشنا می‌باشد در تنظیم قرارداد مدنظر داشته‌اند مگر آنکه طرفین به نحو دیگری تصمیم گرفته باشند.^۱

اصل ۱۷۳ - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بصراحت درباره صلاحیت دادگاه در مورد تفسیر قضایی سخن می‌گوید و ضمن اعلام صلاحیت مجلس شورای اسلامی درباره تفسیر قوانین مقرر می‌دارد که «... مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند، نیست».



۱. شاپیرا - ژان، *حقوق بین‌الملل بازرگانی*، ترجمه دکتر ربیعا اسکینی، ناشر انتشارات آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۷۱، ص ۱۵۶، ربیعا اسکینی، *مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل*، نشر دانش امروز، سال ۱۳۷۱، صص ۳۵ - ۳۴، منبع شماره ۲، ص ۵۲.